

Bushehri dialect in the works of "Moniro Ravanipour" based on the perspective of Jeffrey Leech

Haidar Naeem Hamza Al-Zoamil 

Assistant Professor of Persian Language, Faculty of Archeology, Al-Qadisiyah University, Diwaniyah, Iraq

Abstract

Norm avoidance is one of the topics that is discussed in the field of linguistics, and one of the ways to create a literary work is to use norm avoidance techniques. Leach, one of the prominent figures of English formalism, considers one of the types of norm avoidance to be dialectic. In his opinion, whenever a poet or writer uses words from a specific regional dialect that are not in the standard language, in his work, he uses dialectal norm avoidance. With the help of this technique, he tries to convey to the audience a relative knowledge of the local environment and the climatic and cultural characteristics of a region. Moniro Ravani pour introduced the Bushehri dialect in her works. She has been very successful in this way due to her life experience. In this research, using an analytical-descriptive approach and based on Leach's theory of dialectal deviation in eight works of her and their frequency was determined. The obtained results show that the use of dialect words in the works of Ravipour varies depending on the environment. The stories narrated in the rural environment of the south have a higher dialectal frequency than the stories in the urban.


Keywords: Leach's norm deviation, Bushehri dialect, Muniro Ravani pour, literary effect, russian formalism.

* Corresponding Author: haider.alzoamil@qu.edu.iq

How to Cite: Naeem Hamza Al-Zoamil, H. (2023). Bushehri dialect in the works of "Moniro Ravanipour" based on the perspective of Jeffrey Leech. *Literary Language Research Journal*, 1(2), 97-122. doi: 10.22054/JRLL.2023.71652.1035



گوش بوشهری در آثار منیرو روانی پور بر اساس دیدگاه هنجارگریزی جفری لیچ

حیدر نعیم حمزه الزوامل*  استادیار زبان فارسی، دانشکده باستان‌شناسی، دانشگاه قادسیه، یوانیه، عراق

چکیده

هنجارگریزی از مباحث مطرح در حوزه زبان‌شناختی است. یکی از راه‌های خلق اثر ادبی استفاده از شگردهای هنجارگریزی است. جفری لیچ از چهره‌های برجسته شکل‌گرای انگلیسی، یکی از انواع هنجارگریزی را نوع گویشی می‌داند. به عقیده او هرگاه شاعر یا نویسنده واژگانی ویژه منطقه‌ای خاص را که در زبان معیار وجود ندارد به کار برد، هنجارگریزی گویشی به کار برده است. او می‌کوشد با این تکنیک روش شناخت نسبی از محیط بومی و ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگی منطقه‌ای را به مخاطب انتقال دهد. منیرو روانی پور از نویسندگانی است که توانسته هنرمندانه گویش بوشهری را در آثارش وارد کند و در این راه موفق نیز بوده است، این امر بدون شک از تجربه‌های زیستی نویسنده نشئت می‌گیرد. در این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر اساس نظریه لیچ، هنجارگریزی گویشی در هشت اثر منیرو روانی پور بررسی و بسامدگیری شد. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان کاربرد واژگان گویشی در آثار روانی پور بر حسب محیط تغییر می‌کند. داستان‌هایی که در محیط روستایی جنوب روایت شده نسبت به داستان‌های محیط شهری بسامد گویشی بالاتری دارد.

کلیدواژه‌ها: اثر ادبی، فرمالیسم روسی، هنجارگریزی لیچ، گوش بوشهری، منیرو روانی پور.

مقدمه

زبان عنصری زنده و پویاست. در دنیای مدرن، در پی جهانی شدن صنعت و رسانه گویش‌ها رو به فراموشی و زوال می‌روند. شاید در پی مرگ گویش‌ها زوال فرهنگ‌های مرتبط نیز پیش آید. یکی از راه‌های احیا و حفظ گویش‌ها آن است که نویسندگان گویش‌ها را در آثار خود بازتاب دهند. آثار ادبی همواره در خدمت فرهنگ و مظاهر تمدن از جمله زبان بوده‌اند؛ بنابراین استفاده از ادبیات برای حفظ گویش امری رایج است به گونه‌ای که لیچ^۱ از پیروان مکتب فرمالیسم، هنجارگریزی گویشی را از تکنیک‌های برجسته‌سازی و آشنایی‌زدایی در خلق آثار ادبی می‌داند.

منیرو روانی‌پور گویش بوشهری را برای برجسته‌سازی آثارش انتخاب نموده که متناسب با دیدگاه برجسته‌سازی و هنجارگریزی گویشی لیچ است. او در نخستین آثارش برای خلق صحنه‌های واقعی از جنوب ایران و القای فضای فرهنگی حاکم بر داستان به‌طور گسترده، مکرر و پربسامد از گویش زادگاه مادریش «جفره»^۲ بهره جسته و کمک شایانی به حفظ گویش و فرهنگ بومی آن منطقه کرده است. کاربرد هدفمندانه روانی‌پور از عناصر گویشی در آثار نخستینش، نشان از علاقه‌مندی او به اساطیر و آیین‌های جنوبی دارد. او در داستان‌هایش آیین‌هایی را که ریشه در جامعه واقعی و فرهنگ بومی زادگاهش دارد به تصویر می‌کشد؛ این تصویرسازی برگرفته از تجربه زیسته او و آشنایی با سختی‌های زندگی مردم جنوب به‌ویژه زنان جنوبی است.

در این تحقیق فرض بر این است که گرچه درون‌مایه بخش عمده‌ای از داستان‌های روانی‌پور را مسائل اجتماعی به‌ویژه مصائب زنان تشکیل می‌دهد، اما او با به‌کارگیری تعداد زیادی از واژگان گویش بوشهری در آثار خود، طبق نظریه لیچ دست به هنجارگریزی گویشی زده است تا از این طریق ضمن برجسته‌سازی آثار داستانی، قدمی برای احیای گویش محلی بردارد. پژوهش حاضر کوششی است به‌منظور بررسی چگونگی به‌کارگیری گویش بوشهری در هشت اثر منیرو روانی‌پور بر اساس نظریه هنجارگریزی لیچ، و پاسخ به

1. Jeffrey Leach

۲. جفره ماهینی یکی از محلات قدیمی بندر بوشهر است که در جنوب غربی آن قرار دارد (زیاری و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۲۵).

این پرسش که آیا طبق دیدگاه لیچ کاربرد گویش در آثار منیرو روانی‌پور سبب تشخیص سبکی و ادبیت آثار او می‌شود یا نه. هم‌چنین با پاسخ به ریزسؤالاتی مانند بسامد هنجارگریزی گویشی در اسم‌های به کار رفته در آثار داستانی منیرو روانی‌پور کدام است؟ و بسامد هنجارگریزی گویشی در فعل‌های به کار رفته در آثار داستانی منیرو روانی‌پور چگونه است؟ محقق بر آن است تا مشخص نماید منیرو روانی‌پور در کاربرد گویش بوشهری چه هدفی را دنبال می‌کرده است. بنابراین تعدادی از آثار نویسنده که عبارت‌اند از «کنیزو»، «اهل غرق»، «دل فولاد»، «سنگ‌های شیطان»، «سیریا سیریا»، «کولی کنار آتش»، «زن فرودگاه فرانکفورت»، و «نازلی» گزینش شد تا با تحلیل کمی افعال و اسم‌های گویشی در آثار داستانی او گزارشی به شیوه توصیفی-تحلیلی از این نوع هنجارگریزی ارائه گردد.

۱. پیشینه پژوهش

کتاب، مقاله و رساله‌های فراوانی به تحلیل آثار منیرو روانی‌پور اختصاص داشته‌اند که همگی درخور توجه و اهمیت‌اند. در نگاه ابتدایی برخی مقالات اشتراکات زیادی با موضوع مقاله حاضر دارند؛ ولی در بیشتر کتاب‌ها و مقالات به دو کتاب *کنیزو* و *اهل غرق* که بیشترین بسامد واژگان گویشی را دارند پرداخته شده است. از باب نمونه ناصر نیکوبخت و مریم رامین‌نیا (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان *اهل غرق*» به تعریف و تبیین رئالیسم جادویی پرداخته‌اند و نمودهای آن را در آثار منیرو روانی‌پور بیان کرده‌اند. مقاله «نقد بوم‌گرایانه رمان *اهل غرق* منیرو روانی‌پور» از فاطمه شهبازی و همکاران به سال ۱۳۹۴ نمونه دیگر از این مقالات است. در مقاله «بررسی و تحلیل حضور عناصر فولکلوریک در داستان‌های منیرو روانی‌پور (اهل غرق، سیریا سیریا، سنگ‌های شیطان، کنیزو)» از سیده نرگس رضایی (۱۳۹۵) صرفاً به بیان آداب و رسوم مردم جنوب و برخی عناصر اقلیمی و وهمی که ناظر به باورهای مردم جنوب است پرداخته شده و بحثی از بسامد هنجارگریزی مطرح نشده است؛ اما در مقاله حاضر محقق پس از بسامدگیری و ارائه پربسامدترین واژگان به قرار عدد در جدول‌های متفاوت به بحث

هنجار‌گزینی گویشی «روانی‌پور» پرداخته است. زینب رحمانیان و لیلا عدل‌پرور در مقاله «ادبیات اقلیمی در رمان «اهل غرق» اثر منیرو روانی‌پور» (۱۳۹۹) کوشش کرده‌اند نمودهای مسائل اقلیمی در رمان «اهل غرق» را بررسی کنند، اما مباحث اقلیمی طرح شده درصدد بیان شرایط فرهنگی و اقتصادی منطقه است و با گویش تفاوت بسیار دارد و با تحقیق حاضر تداخل موضوعی ندارد. زینب رحمانیان، لیلا عدل‌پرور و محمد یاوری (۱۴۰۰) در مقاله دیگری با عنوان «تابوی زن و بازتاب آن در آثار منیرو روانی‌پور» به تابوی‌های حول محور زنان در فرهنگ، آداب و رسوم جنوب پرداخته‌اند. ابتدا تابو را تعریف کرده‌اند و سپس انواع تابوهای زنان در داستان‌های روانی‌پور را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها درصدد بررسی مباحث گویشی نبوده‌اند و هدفی متفاوت داشته‌اند.

در پایان‌نامه‌هایی نیز برخی واژه‌های گویشی بررسی شده‌اند و همانند مقاله حاضر نمونه‌هایی از آن‌ها بیان شده است مانند پایان‌نامه «ادبیات اقلیمی در آثار احمد محمود و منیرو روانی‌پور» از میترا محمدی که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران به ۱۳۹۰ دفاع شده است. در این پایان‌نامه به صورت تطبیقی ادبیات اقلیمی در داستان‌های بومی و ناحیه‌ای منیرو روانی‌پور و احمد محمود بررسی شده که به دلیل غفلت از سایر آثار «روانی‌پور» فاقد استقلال در بررسی است. تعداد کتب دامنه کار کمتر از کتب مقاله حاضر است که بر نتایج بسامدها تأثیر دارد. همچنین در کنار بیان واژه‌ها، تمرکز این پایان‌نامه نقد آثار بوده است ولی تمرکز اثر حاضر طرح نحوه هنجار‌گزینی نویسنده در آثارش است.

در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که بر اساس نظریه زبان‌شناختی لیچ، نمودهای هنجار‌گزینی گویشی در آثار منیرو روانی‌پور استخراج و بررسی شود. منابع پژوهش، کتاب‌های داستانی نویسنده است که اهم آن‌ها بررسی و بسامدگیری شده‌اند. آنچه اثر حاضر را از سایر آثار متمایز می‌کند تمرکز آن بر کلمات و واژگان گویشی است نه صرفاً مباحث بومی و ویژگی‌های اقلیمی حاکم بر داستان؛ از این رو این مقاله جامع‌تر و درعین حال دارای مباحثی متفاوت از آثار پیشین است به‌ویژه اینکه موارد بسامدگیری گویشی در هیچ مقاله‌ای از مقالات مذکور دیده نشد. همچنین بیشتر مقالات فارسی که مقوله هنجار‌گزینی را از دیدگاه لیچ بررسی کرده‌اند، بنا را بر هنجار‌گزینی واژگانی

به‌خصوص در شعر گذاشته‌اند و اگر هنجارگریزی گویشی لیچ در آن‌ها مطرح شده، بیشتر در آثار شعرا بوده است.

۲. چارچوب نظری تحقیق

پشتوانه نظری پژوهش بر اساس «نظریه ساختارشکنی و هنجارگریزی لیچ» است. طبق الگوی لیچ (۱۹۶۹)، انحراف یا هنجارگریزی از زبان هنجار به هشت صورت رخ می‌دهد که عبارت‌اند از: هنجارگریزی واژگانی، دستوری، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی، و زمانی (آهنگر، رجب‌زاده، عباسی، ۱۳۹۶: ۵۱). روش لیچ برای بررسی زبان متن، درحقیقت روشی زبان‌شناختی است که در چارچوب مکتب فرمالیسم روسی مطرح شده است. فرمالیسم روسی از جریان‌های نقد ادبی است که در بحبوحه جنگ جهانی اول به وجود آمد و رواج یافت. فرمالیست‌ها با رویکردی زبان‌شناسانه ادبیات را بررسی کردند و به دنبال یافتن «ادبیت» متن و کشف قوانین این ادبیت بودند؛ همان‌گونه که شفیع کدکنی در رستاخیز سخن بیان نموده مسئله ادبیت یکی از مسائل بنیادی در مکتب فرمالیست‌ها است و موضوع اصلی کار پژوهشگران حوزه ادبیات است. ادبیت همان عاملی است که «ماده ادبی» را به «اثر ادبی» تبدیل می‌کند. کوشش فرمالیست‌های روس بر این امر بود که آن عامل را کشف کنند. به اعتقاد او نخستین اصل ادبیت از دیدگاه صورت‌گرایان و فرمالیست‌ها در آثار ادبی «آشنایی‌زدایی» است (شفیع کدکنی، ۱۳۹۶: ۵۹). آشنایی‌زدایی به تمام روش‌ها و تکنیک‌هایی گفته می‌شود که نویسنده یا شاعر به وسیله آن متن خود را در نظر مخاطب ناآشنا جلوه دهد و به این ترتیب معنا به تأخیر افتد تا خواننده لذت بیشتری ببرد (همان: ۱۰۶). بهره‌گیری از واژگان گویشی یکی از راه‌هایی است که سبب آشنایی‌زدایی و ادبیت متن می‌شود. استفاده از واژگان محلی مخاطب را با فضا و مکان شاعر آشناتر می‌کند و حتی بخشی از این واژگان به زبان راه می‌یابند و به باروری و غنای زبان کمک می‌کنند (سنگری، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

به اعتقاد لیچ هر اثر هنری درون خود ویژگی‌هایی دارد و نویسنده با گزینش کردن آن درصدد آشنایی‌زدایی یا برجسته‌سازی اثر خود است (Leech, 2008: 4). او

هنجار‌گزینی را که نوعی از آن هنجار‌گزینی گویشی است، مجرای اصلی برجسته‌سازی می‌شمارد و این زمانی رخ می‌دهد که شاعر یا نویسنده هنرمندانه با انحراف از قواعد طبیعی زبان معیار (هنجار) به اثر خود ادبیت می‌بخشد. اگرچه منظور از آن هرگونه انحراف از قواعد زبان هنجار نیست و برای اینکه اثری به این مهم دست یابد باید به اعتقاد لیچ سه ویژگی: نقشمندی، جهت‌مندی، و غایتمندی را دارا باشد در غیر این صورت خلاقیت هنری به شمار نخواهد رفت (صفوی، ۱۳۹۰: ۵۰-۵۱). در دیدگاه لیچ هنجار‌گزینی گویشی نیز مانند سایر هنجار‌گزینی‌ها برای ایجاد ادبیت در اثر هنری باید دارای این سه خصیصه باشد (Leech, 2008: 101 - 190).

فرایند برجسته‌سازی به دو طریق انجام می‌پذیرد: (۱) قاعده‌افزایی یعنی اعمال قواعدی اضافی بر قواعد زبان؛ (۲) فراهنجاری یا گریز از قواعد زبان هنجار. لیچ عقیده دارد قاعده‌افزایی باعث ایجاد نظم می‌شود و فراهنجاری شعر می‌سازد (همان: ۹). از انواع فراهنجاری می‌توان به هنجار‌گزینی یا فراهنجاری گویشی اشاره کرد. بنا بر نظر لیچ شاعران و دیگر نویسندگان خلاق از زبان به شیوه‌های نامتعارف استفاده می‌کنند (همان: ۱۴)؛ او یکی از شیوه‌های نامتعارف را هنجار‌گزینی گویشی می‌داند (همان: ۱۲).

۳. هنجار‌گزینی گویشی

هنجار‌گزینی گویشی به کار بردن واژگان یا نحوه گویش محلی و زیست‌بوم شاعر در شعر است به گونه‌ای که این واژگان در زبان معیار وجود نداشته باشد. صفوی نیز قائل به این تعریف است و می‌گوید: «در برخی موارد می‌بینیم که شاعر ساخت‌هایی را از گویشی غیر از زبان هنجار وارد شعر می‌کند، چنین انحرافی از زبان هنجار را هنجار‌گزینی گویشی می‌نامیم» (۱۳۹۰: ۵۶).

واژگان ابزار کار شاعرند، آن‌ها از همه واژگان و ظرفیت‌های آن‌ها برای طرح بهتر، رساتر و تأثیرگذارتر اندیشه‌ها و عواطف خویش بهره می‌گیرند. در این رهگذر واژگان محلی و بومی نیز به کار می‌آیند و شاعر را یاری می‌دهند تا صمیمی‌تر بگوید و دنیای مخاطب را با دنیای خویش پیوند زند (سنگری، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

بدون تردید یکی از تلاش‌های نویسندگان داستان‌های بومی حفظ اصالت محیط، فرهنگ، زبان و گویش زادگاهشان است؛ آن‌ها سعی می‌کنند با به‌کارگیری گویش بومی هم به اثر خود غنا بخشند و هم حس و حال و فضای لازم را برای بیان خواسته‌ها، آمال و آرزوهای خود در هیبتی تازه فراهم آوردند.

در میان شعرای معاصر نیمایوشیخ نخستین کسی است که گویش محلی زادگاهش را در آثار خود منعکس کرده است:

ترا من چشم در راهم شباهنگام
که می‌گیرند در شاخ تلاجن سایه‌ها رنگ سیاهی
وزان دلخستگانت راست اندوهی فراهم
ترا من چشم در راهم ...

«تلاجن» در گویش مازندرانی نوعی درخت است که از ترکیب «تلا» و «جن» تشکیل شده. «تلا» به معنی خروس و «جن» مخفف جنگ است. وجه تسمیه آن این است که گل‌های این درختچه شبیه تاج خروس‌های جنگی است.

از میان نویسندگان و شاعران جنوب منوچهر آتشی و منیرو روانی‌پور به پیروی از نیما از میزان قابل توجهی از هنجارگریزی گویشی در آثارشان بهره برده‌اند.

باز مزرع طلایی وسیع جو
استران و اسب‌های بارکش
بازیارهای خسته خم‌شده به هر طرف

زیر آفتاب در کشاکش درو (آتشی، ۱۳۸۰: ۱۸)

«بازیار» در گویش مردم جنوب به معنی دهقان است. نمودهای هنجارگریزی گویشی در آثار منیرو روانی‌پور در ادامه خواهد آمد.

۴. ساختار اصلی

از میان آثار منیرو روانی‌پور، هشت اثر او گزینش شده و در پژوهش حاضر بررسی شده‌اند که شامل پنج مجموعه داستان به نام‌های: کنیزو به سال ۱۳۶۷، سنگ‌های شیطان به سال

۱۳۶۹، سیریا سیریا به سال ۱۳۷۲، زن فرودگاه فرانکفورت به سال ۱۳۸۰، و نازلی به سال ۱۳۸۱ می‌شود و سه رمان *اهل غرق* به سال ۱۳۶۸، *دل فولاد* به سال ۱۳۶۹، و *کولی کنار آتش* به سال ۱۳۷۸ است.

جدول ۱. جدول بسامدی واژگان گویشی در آثار روانی‌پور

نام اثر به ترتیب سال انتشار	محیط	تعداد واژگان گویشی	مثال
کنیزو (۱۳۶۷)	محلی	۴۱	منیار، جت زاده، بوره، غناشت
اهل غرق (۱۳۶۸)	محلی	۸۱	بوسلمه، وهچیره، راسه، جلت
دل فولاد (۱۳۶۹)	شهری	۶	خزنگ، گرده، پشنگه، تجه زدن
سنگ های شیطان (۱۳۶۹)	محلی	۱۸	خالو، مسیله، خارک، جفنه
سیریا سیریا (۱۳۷۲)	محلی	۳۸	خیط، یزله کردن، شپ زدن، بُلتش
کولی کنار آتش (۱۳۷۸)	شهری	۱۹	شنا شیر، پوز، تفکه، کپه
زن فرودگاه فرانکفورت (۱۳۸۰)	شهری	۱۱	تراندن، شره کردن، آسمان غرنبه
نازلی (۱۳۸۱)	شهری	۳	خنج زدن، واگشتن، عاجز شدن

در جدول فوق لغاتی که صرفاً جنبه گویشی دارد در نظر گرفته شده و لغاتی که گواه مظاهر اقلیمی هستند مدّ نظر نبوده‌اند. برای مثال لغت «دریا» در همه آثار او پرتکرار است: در *کنیزو* ۱۶۱ بار، در *اهل غرق* ۹۷۹ بار، در *سنگ‌های شیطان* ۱۱ بار، در *زن فرودگاه فرانکفورت* ۱۷ بار، در *سیریا سیریا* ۱۷۷ بار، و در *کولی کنار آتش* ۵۱ بار آمده است و بیشترین بسامد را دارد جز در *نازلی* که حسب تغییر محیط داستان تعداد کلمات محلی و گویشی در آن به صفر رسیده با این حال کلمه دریا یک بار در آن آمده است.

طی بسامدگیری آشکار شد که در آثار روانی‌پور در مجموع ۲۱۷ کلمه گویشی وجود دارد؛ از این میان، ۱۷۵ مورد اسم و ۴۲ مورد فعل گویشی هستند. برخی واژگان گویشی در همه آثار دیده می‌شوند و برخی منحصر به یک کتاب هستند.

اهل غرق شناخته‌ترین و مهم‌ترین اثر نویسنده، و به سبک رئالیسم جادویی است (داستان رئالیستی داستانی است که در صدد بیان عینی واقعیت خارجی به شکل حداکثری است). این اثر بیشترین تعداد هنجارگریزی را دارد که نشان می‌دهد فضای جنوب کاملاً بر

آن حاکم است. نویسنده از همان ابتدای کار با استفاده از واژه‌هایی از قبیل «راسه»، «جفنه»، «مینار»، «رمبیدن»، «پشک خوردن» و دیگر واژگان مختص جنوب در صدد تجسم فضایی است که تفاوت فاحش محیط جنوب با غیر آن را به مخاطب نشان دهد (بهبهانی، ۱۳۸۳: ۳۲).

پرتکرارترین واژگان گویشی در *اهل غرق* دو موجود خیالی و وهمی به نام‌های «بوسلمه» و «آبی» است. این تکرار بیان‌کننده این است که داستان در فضایی محلی و آکنده از خرافات، اوهام، اساطیر و نمادهای بومی جریان دارد. نویسنده این عناصر را دستمایه پردازش دغدغه‌های فکری خود قرار می‌دهد و تلاش می‌کند مفاهیم کلیدی و مهم از دیدگاه خود را در لفافه‌ای از رمز و رازهای مبهم و پیچیده به صورت نمادین بیان کند. برای القای فضای بومی حاکم بر داستان به صورت وسیع از واژگان گویشی کمک می‌گیرد. او علاوه بر *اهل غرق* در مجموعه‌های *کنیزو*، *سنگ‌های شیطان* و *سیریا سیریا* نیز تحت تأثیر فرهنگ بومی زادگاهش، جفره بوده است. باید این نکته را یادآور شد که این سه اثر مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه‌اند که عناصر بومی در همه کتاب پراکنده شده است؛ برخلاف *اهل غرق* که رمانی طولانی است و همه این عناصر زنده و خلاقانه درون آن یکجا جمع شده است.

نکته مهمی که در داستان‌نویسی روانی‌پور با آن مواجهیم، فضای داستان‌هاست. تمام داستان‌ها در دو فضا و محیط جریان دارند: یکی محیط بومی و محلی که در آن آداب و رسوم، باورها و اعتقادات مردم جنوب منعکس شده‌اند. او در این آثار از تجربیات زیستی خود بهره می‌برد. چهار اثر را که در پاراگراف پیشین گفتیم می‌توان در این دسته جای داد. دسته دیگر آثارش در محیط شهری و فضای روشنفکری روایت می‌شوند و مسائل جامعه بزرگ‌تری را به تصویر می‌کشند. این آثار از ویژگی‌های داستان‌های بومی محلی فاصله دارند. همان‌طور که در جدول ۱ بیان شد در *نازلی* میزان هنجارگریزی گویشی به حداقل می‌رسد. برخی محققان از جمله فرشته احمدی در مقاله خود همین مطلب را عنوان نموده که دو کتاب *نازلی* و *زن فرودگاه فرانکفورت* درون‌مایه‌ای متأثر از محیط شهری دارند (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۲). بسامد صفر کلمات گویشی در *نازلی* در حیطه

اسم مؤید همین سخن است.

اگرچه حضور و نقش زنان در همه آثار روانی پور برجسته و چشمگیر است، اما در داستان‌های *دل فولاد*، *کولی کنار آتش*، *زن فرودگاه فرانکفورت*، و *نازلی* که در زمینه شهری نوشته شده‌اند موضوع زنان و مشکلات آن‌ها کاملاً جایگزین عناصر اقلیمی و بومی شده‌اند و فضا به سمت رئالیستی شدن حرکت می‌کند. پرداختن به واقعیت‌های زندگی اجتماعی و شخصی زنان نمود بیشتری دارد، به همین دلیل هنجارگریزی‌های واژگانی را به‌ندرت می‌توان در این آثار مشاهده کرد.

با این تفصیل از این داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده در داستان‌هایی که به سبک رمان بومی و ناحیه‌ای نوشته، تحت تأثیر محیط زندگی و فرهنگ بومی مردم جنوب و زبان مادری خود بوده است. او ضمن پرداختن به مسائل و مشکلات مردم خصوصاً زنان و نحوه رویارویی آن‌ها با سختی‌های زندگی، واژگان گویشی را در پیشبرد داستان و برجسته‌سازی آن در جهت به تصویر کشیدن و القای فضای محیط بومی به مخاطبانش دخیل کرده است. وی در این دسته از آثار گاه به باورها، اعتقادات و خرافات موجود نگاهی بی‌طرفانه دارد و آن‌ها را ناشی از فقر و ناآگاهی می‌داند، بنابراین در برابر آن‌ها موضع نمی‌گیرد همان‌گونه که در *اهل غرق* می‌بینیم؛ اما گاه به این باورهای خرافی می‌تازد و با دیدی انتقادی به آن‌ها می‌نگرد. در رمان *اهل غرق* بدون سرزنش و انتقاد اعتقادات زنان ساده‌دل را آورده ولی در رمان‌های *سنگ‌های شیطان* و *سیریا سیریا* که بعد از *اهل غرق* نوشته شده با دیدی انتقادی به این اعتقادات می‌نگرد.

روانی‌پور در آثاری که در زمینه شهری نوشته است از خصوصیات و سبک داستان‌های بومی فاصله می‌گیرد به گونه‌ای که از واژگان گویشی در آن‌ها خبری نیست. به عقیده برخی ادیبان هرچه بسامد هنجارگریزی به کارفته به وسیله شاعر و نویسنده از منحنی هنجار بالاتر رود سبک او نیز مشخص‌تر می‌شود (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۴۴۵). همین مطلب در نظریه لیچ ذیل تحلیل سبک آمده، آنجا که می‌گوید انحراف از زبان معیار به اثر نویسندگان ویژگی سبکی خاص می‌دهد (Leech, 2008: 59). پس بی‌تردید می‌توان گفت سبک روانی‌پور در این آثار تغییر می‌کند، عناصر بومی رنگ می‌بازد و دغدغه‌های

اجتماعی و سیاسی جایگزین آن می‌شود؛ به همین دلیل تعداد هنجارگریزی گویشی در آن ناچیز است.

با بسامدگیری اسم‌ها و فعل‌های گویشی در آثار منیرو روانی‌پور شاهد جهتمندی، غایتمندی و نقشمندی این واژگان در معرفی محیط جنوب هستیم. از این رو، مطابق دیدگاه لیچ که آثار ادبی را در صورت داشتن این سه محور، ادبی و هنری می‌داند؛ می‌توانیم بگوییم آنچه به آثار منیرو روانی‌پور ویژگی سبکی داده هنجارگریزی گویشی است.

۵. هنجارگریزی گویشی در اسم‌ها

منظور از اسم در این مقاله آن دسته از واژگان گویشی هستند که فقط در زبان عامیانه کاربرد دارند و در زبان فارسی معیار معادل دیگری دارند، یا واژگانی که مختص یک منطقه اقلیمی اند.

جدول ۲. اسم‌های گویشی در آثار منیرو روانی‌پور

نام اثر (سال انتشار)	محیط	تعداد اسم‌های گویشی	مثال
کنیزو (۱۳۶۷)	محلی	۳۸	خالو، آبی، دی، پسین، عینی، راسه، سپور، بچه برو، مینار، کپر، جت زاده، بوره، هبانه، پیش، خور، غناشت، کپ کپی، جاشو، کپه، مسیله، شروه، بمبک، آقای اشک، پشنگه، درخت گل ابرایشم، هبه، خوار، پا زن، مختکی و ...
اهل غرق (۱۳۶۸)	محلی	۷۰	بوسلمه، آبی، گسار، کپر، راسه، دی، غبه، درخت گل ابرایشم، آقای اشک، جاشو، بچه برو، خور جنی، جفنه، خلبوس و ...
دل فولاد (۱۳۶۹)	شهری	۴	خورنگ، گرده، کپه، پشنگه
سنگ‌های شیطان (۱۳۶۹)	محلی	۱۶	بوره، خورنگ، کپه، جت زاده، دست به بازی، راسه، پیش، جفنه، جلت و ...
سیریا سیریا (۱۳۷۲)	محلی	۲۸	کپر، خیط، راسه، بولتش، بابلشیر، برج مقام، خرنک، پنگ و ...
کولی کنار آتش (۱۳۷۹)	شهری	۱۴	شناشیر، جاشو، کپه، تفکه، تاره، تل عاشقون، پوز، کپر و ...

نام اثر (سال انتشار)	محیط	تعداد اسم‌های گویشی	مثال
زن فرودگاه فرانکفورت (۱۳۸۰)	شهری	۵	درخت گل ابریشم، مینار، بوره، پشنگه، آسمان قرمبه
نازلی (۱۳۸۱)	شهری	۰	ندارد

واژگانی که مختص منطقه‌ای اقلیمی‌اند مانند: نام اماکن خاص، مراسم سنتی و محلی، یا حتی نام گیاهانی که فقط در یک ناحیه جغرافیایی رشد می‌کنند. قابل ذکر است که نمادهای جنوب از جمله نخل، خرما، دریا و همه عناصری که به دریا مربوط‌اند، و نام شهرها و روستاهای بوشهر به دلیل نداشتن بار گویشی در این مقاله نمی‌گنجد. با توجه به بسامد بالای اسم‌های گویشی آن‌ها را دسته‌بندی نمودیم تا تحلیل صحیحی از آن‌ها ارائه دهیم:

۱. موجودات وهمی و خیالی،
۲. باورها و اعتقادات بومی،
۳. پوشش محلی مردم،
۴. گیاهان و جانوران،
۵. اسم‌های خاص،
۶. اسم‌های مربوط به اشیا و دیگر کلمات گویشی.

۵. ۱. موجودات وهمی و خیالی

منیرو روانی‌پور در بهره‌گیری از اسم‌ها در گویش بوشهری به موجودات وهمی و خیالی که در فرهنگ بومی جایگاهی برجسته دارند توجه دارد. در کتاب‌های *اهل غرق*، *کنیزو* و *سیریا سیریا* با چندین موجودات خیالی و وهمی روبرو می‌شویم که از بین آن‌ها «بوسلمه» و «آبی» نسبت به سایر واژگان اسمی بیشترین تکرار را در *اهل غرق* دارند. «بوسلمه» ۲۳۷ بار و «آبی» ۲۲۸ بار تکرار شده است. همچنین «آبی» در مجموعه *کنیزو* ۲۳ بار و در *سیریا سیریا* ۱۰ بار تکرار شده است.

بوسلمه؛ بوسلامه (busalame): در *اهل غرق* از بوسلمه به عنوان خدای دریا یاد شده که با خشم خود باعث طوفانی شدن دریا می‌شود و تنها راه آرام کردن او قربانی کردن است، اما در فرهنگ‌نامه‌ها موجودی نیمه انسان و شرور است که انسان‌ها را به قعر دریا می‌کشاند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۱۵۳؛ حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۶۳). «طوفان برخاسته بود. غناشت دریا گوش را کر می‌کرد. بوسلمه می‌گرید» (روانی‌پور، *اهل غرق*، ۱۳۸۴: ۳۰).

آبی (abi): پری دریایی که می‌تواند طبق باور بومی باعث موج شدن دریا شود. در فرهنگ‌نامه لغات جنوب این واژه یافت نشد. «گفته بودم که گریه آبی‌ها آب دریا را بالا می‌آورد. آنقدر که شاید بندر، بندر بوشهر را غرق کند» (روانی‌پور، *کنیزو*، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

دی زنگرو (کر زنگرو) (day zangero): طبق اعتقاد مردم موجودی است که ماه را پنهان و اسیر خود می‌کند و آنقدر باید بر طبل کوبید و آواز خواند تا ماه را رها کند (باوری خرافی درباره خسوف که بین مردم رواج داشته). به معنی مادر زشت‌رو است و ترکیبی از واژه «دی» و «زنگرو»؛ در فرهنگ‌نامه «دی» به معنی مادر است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۳۳۳) «زنگرو» نیز ترکیب «زنگی» و «رو» یا «ری» است به معنی «زشت‌چهره» است (همان: ۳۴۹). در گویش بوشهری «کرزنگرو» نیز معادل آن است (همان: ۵۰۷). «دی زنگرو، مادر بوسلمه است و مثل همو زشت و بدکار، از صدای طبل بیزار است و با شنیدن آواز زنانی که روی زمین زندگی می‌کنند و تندرست و دلیر و زیبا هستند سرگیجه می‌گیرد (روانی‌پور، *اهل غرق*، ۱۳۸۴: ۱۴۳). از دیگر موارد می‌توان به «آل یا یال»، «بیچه برو» و «غولک» اشاره کرد.

۲.۵. باورها و اعتقادات بومی

این دسته از واژگان گویشی اسم‌های مربوط به اعتقادات و باورهای بومی و محلی‌اند؛ گرچه معادلی در زبان معیار ندارند اما جزء آیین‌ها و عقاید عامیانه یک منطقه‌اند و از لحاظ بسامدی نیز تکرار آن‌ها در داستان‌ها اندک و در حدود ۲ تا ۴ بار است؛ مانند:

گلی (geli): از مراسم مرسوم در استان بوشهر که برای بارش باران انجام می‌دهند اما در فرهنگ‌نامه بوشهر نوعی دیو زشت‌رو و انسان‌نما است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۵۴۷). در دشتی و دشتستان هنگامی که باران به وقتش نیارد، تصمیم می‌گیرند «گلی» درست کنند به این شکل که یک نفر از اهالی روستا گلی می‌شود، وی را با برگ درختان گوناگون از جمله خرما می‌پوشانند، کلاه کاغذی به سرش می‌گذارند، او را بر چوبی سوار می‌کنند و چوبی هم به دستش می‌دهند. سپس عده‌ای از کوچک و بزرگ و زن و مرد پشت سر گلی راه می‌افتند و به در خانه‌های ده رفته و آواز باران ویژه‌ای را می‌خوانند (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۶۰). نمونه کاربرد این در کتاب *اهل غرق*: «اولین بار خیی جو به فکر افتاد، حالا که والاحضرت جوابشان را نداده، بهتر است دست به دامن گلی شوند» (روانی‌پور، ۱۳۸۴: ۲۲۰).

بادتوبیه (badtuevbe): در کتب ادبی به معنای باد طوبیه یا باد طربناک است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۱۳) اما در باور محلی بادی است که دریا را توبه می‌دهد تا آرام شود. «باد توبیه می‌وزید؛ بادی که دریا را توبه می‌دهد تا موج‌های بلند و سیاهش را بر سر ماهیگیران نکوبد» (روانی‌پور، *اهل غرق*، ۱۳۸۴: ۴۹).

آب روطلا، باد پیرزن، رفتن زار (نوعی جن) به جلد آدمی، و تفکک کردن نمونه‌های دیگری است که در این مقال نمی‌گنجد.

۳.۵. پوشش محلی مردم

منیر و روانی‌پور اسامی پوشش زنان و مردان بومی را در آثارش ذکر کرده است مثل مینار، لنگوته، دشداشه، و شلیته که اغلب در گذشته استفاده می‌شده‌اند. بیشترین تکرار را لنگوته در *اهل غرق* ۱۳ بار و مینار در همان داستان ۱۵ بار، در *سیریا سیریا* ۱۵ بار در *کنیزو* ۹ بار، در *زن فرودگاه فرانکفورت* ۳ بار، در *کولی کنار آتش* ۲ بار، و در *سنگ‌های شیطان* ۱ بار داشته‌اند.

مینار (meynar): «مقنعه» نوعی روسری زنانه که در جنوب می‌پوشند (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۲: ۱۳). «می‌نشینم تا وقتی دی‌یعگوب دل سیر قلیان می‌کشد و نی‌قلیانش را نزدیک

منقل می‌گذارد و مینارش را باز می‌کند تا بخوابد» (روانی‌پور، *سیریا سیریا*، ۱۳۸۳: ۱۳).
«ماکو دو هسته خرما را در پر مینارش گره زد و دوباره مشغول شد» (همان: ۳۹).

لنگوته (langoteh): یکی از پوشش‌های رایج مردان در جنوب؛ لنگ که در گویش بوشهری به آن لنگوته می‌گویند (ساعدی، ۱۳۴۵: ۱۶۴). «گاهی زائر غلام ادای سرهنگ و مامورانش را در می‌آورد، لنگوته‌اش را باز و بسته می‌کرد تا غصه را از چشمان آبادی دور کند» (روانی‌پور، اهل غرق، ۱۳۸۴: ۱۸۲).

شلیته (sheliteh): نوعی پوشش زنانه در قالب شلوار که بیشتر در روستاها جنوب مرسوم بوده است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۴۲۲). «از آن روز که فانوس با شلیته لیمویی پر از برگ‌های زیتون میان آدم‌هایی که منتظر نگاه می‌کردند، گذشت سال‌ها می‌گذرد» (روانی‌پور، کنیزو، ۱۳۸۰: ۷۵).

۵. ۴. گیاهان و جانوران

منیرو روانی‌پور اسم برخی گیاهان و جانورانی بومی را در داستان‌هایش آورده که به دلیل اختصاص آن‌ها به جنوب کشور و داشتن بار گویشی تحت این عنوان جای می‌گیرند. به علت آب‌وهوای گرم و خشک و میزان بارندگی کم در طول سال تنها گیاهانی قابلیت رشد در آنجا را دارند که امکان ذخیره آب را داشته باشند؛ پس گیاهان این منطقه دارای ریشه‌های عمیق و برگ‌های ریز هستند (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۶۱). گاروم زنگی، گز، گل‌ابریشم، گنار، بی‌بی مرنجان و بابل شیر از گیاهانی هستند که روانی‌پور پراکنده از آن‌ها نام برده است و به کتاب خاصی اختصاص ندارند. پربسامدترین آن‌ها گل‌ابریشم است که در اهل غرق ۲۵ بار، در *سیریا سیریا* ۱۱ بار، در *زن فرودگاه فرانکفورت* ۴ بار، در *کنیزو و کولی کنار آتش* ۳ بار تکرار شده است. در ذیل به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود.

گل‌ابریشم (gol abrisham): نام درختی است که در استان‌های ساحلی جنوب ایران می‌روید (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «گل‌ابریشم»). «هیچ پری دریایی در عالم نیست که بگذارد

سه تا جوان که قدشان بلند است به اندازه درخت گل ابریشم، به روی آب بیایند، حتی اگر دلشان برای آبادی تنگ شده باشد» (روانی پور، *سیریا سیریا*، ۱۳۸۳: ۹).

گاروم زنگی (garum zangi): درختی خاص منطقه جنوب به ویژه بندرعباس. در سطح نت اطلاعات این گیاه موجود است اما در فرهنگ نامه جنوب نیامده است. «از دور دیدم روی درخت گاروم زنگی چراغانی کرده اند و می خوانند و می رقصند، دلم قرص بود، نزدیکشان رفتم همگی غیب شدند» (همان: ۴۵).

بابل شیر (babolshir): گیاهی که در نواحی گرم کشت می شود. چوب این گیاه محکم است و در صنعت کشتی سازی استفاده می شود و از شیر آن چسب کاغذ درست می کنند (حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۱۱). «خسته به جانب آبادی آمدم و در میان نزارها و بابل شیرها صدای خنده های دخترانه ای شنیدم» (روانی پور، *سیریا سیریا*، ۱۳۸۳: ۷۳).

پربسامدترین واژگان گویشی مربوط به نام حیوانات لقمه با ۱۲ تکرار در *اهل غرق* و بمبک با ۴ تکرار در همان کتاب و ۳ تکرار در *کنیزو* است. نمونه حیوانات و جانوران گویشی:

بمبک (bambak): هر نوع کوسه ماهی را گویند (احمدی ریشهری، ۱۳۸۲: ۸۶).

لقمه (loghmeh): کوسه - بمبک (حمیدی، ۱۳۸۰: ۵۷۱). «منصور نگران ایستاده بود. کارد توی دست زائر بود، کاردی که منصور بارها با آن شکم بمبک ها را پاره کرده بود و دم لقمه ها را بریده بود (روانی پور، *اهل غرق*، ۱۳۸۴: ۴۲).

تیترموک (titermook): پرنده ای که در جنوب آن را نماد شادی و سعادت می دانند (احمدی ریشهری، ۱۳۸۲: ۱۵۲) «سرداری بی سر که هر سال با پنبه ساخته می شد سرداری عاشق که یک روز در صحرائی دور با حاکمان ولایات دوردست به خاطر تیترموک جنگید» (روانی پور، *اهل غرق*، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

منوچهر آتشی همشهری روانی‌پور نیز در اشعارش این واژه را به کار برده است:
سخن از باد و باران گفت
و «تیتروموک» اگر چه پاسخ نداد از سال پربرکت
غم دل می‌توان با ساز قلیان گفت (۱۳۶۵: ۱۹۰)

۵. ۵. اسم‌های خاص

منظور از اسم خاص واژگان گویشی است که نام مکان خاصی در استان بوشهر هستند و گاه در آثار نویسندگان جنوب دیده می‌شود؛ واژگانی همچون: امامزاده اشک، برج مقام، تل عاشقون، تنگه دیزاشکن، خورجنی، عمارت دریا بیگی و عمارت جنی، غاله، قلعه پیر، گاراژ میهن تور و ... که از بین آن‌ها بیشترین تکرار را به تل عاشقون دارد که در سیریا ۳۴ بار تکرار شده است. همچنین آقای اشک که نام امامزاده‌ای در جفره است در /اهل غرق ۲۲ بار و در کنیزو نیز ۳ بار آمده است. مثال‌هایی کاربرد اسم‌های خاص در گویش بوشهری در آثار منیر و روانی‌پور:

تل عاشقون (tele asheghon): نام تپه‌ای کنار دریا در بوشهر. تل در گویش بوشهری به معنی تپه است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۲۷۰). «در بندری که من بودم و هستم، هیچ کاری نمی‌توانی بکنی، جز اینکه روی تل عاشقون بنشینی و منتظر بمانی تا ماهی کوچکی به قلابت تک بزند و بعد خیط را بکشی» (روانی‌پور، سیریا سیریا، ۱۳۸۳: ۵۱).

عمارت جنی (emarteh jeny): عمارتی متروکه و قدیمی در حد فاصل جفره و بوشهر؛ امروزه از این عمارت فقط خرابه‌ای باقیمانده است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۳۷۳). «خستگی به من می‌گفت که باید زمان طولانی گذشته باشد، نگاه کردم، عمارت جنی دور بود و بندر دورتر و هیچ قافله‌ای پیدا نبود ...» (روانی‌پور، سیریا سیریا، ۱۳۸۳: ۵۹).

تنگه دیزاشکن (tangeh deezeshkan): دیز اشکن نام تنگه‌ای در دشتستان است گرچه در سطح اینترنت اطلاعات آن موجود است ولی در فرهنگ‌نامه‌های جنوب نامی از آن

نیامده است. «بارها صدای ده تیرش را از تنگه دیزاشکن شنیده بودند و هنوز بر سر راه او، زنان مشک‌های آب، آینه و قرآن می‌گذاشتند تا همچنان زنده بماند (روانی‌پور، اهل غرق، ۱۳۸۴: ۳۰۵).

۶.۵. اسم‌های اشیا و دیگر کلمات گویشی

اسم‌های اشیا و دیگر کلمات گویشی که در دسته‌های گذشته جای نمی‌گیرند، بیشترین بسامد را در میان واژگان گویشی دارند. پربسامدترین آن‌ها در این هشت اثر روانی‌پور به ترتیب این موارد هستند: «دی» در *سیریا سیریا* با ۸۲ تکرار، «کپ کپی» در *اهل غرق* با ۴۱ تکرار، «خالو» در *کنیزو* با ۳۰ تکرار، «پشنگه» در *دل فولاد* با ۱۸ تکرار، و «شناشیر» در *کولی کنار آتش* با ۱۲ تکرار. نمونه‌های این دسته کلمات در آثار داستانی منیرو:

کپ‌کپی (kopkopi): موتوسیکلت (حمیدی، ۱۳۸۰: ۵۰۰). «معلوم نبود اگر صدای کپ‌کپی از دور شنیده نمی‌شد، نمردی سوار بر چیزی که کپ صدا می‌داد از راسه نمی‌آمد، مردم چه قصه‌ها که درباره مروراید نمی‌ساختند» (روانی‌پور، اهل غرق، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

پشنگه (pesenge): قطره، قطره آب، باران (حمیدی، ۱۳۸۰: ۹۹). «زن خیال کرد که لابد پشنگه‌های خون دیده است که زخمی بود و بال‌بال می‌زد، اما هیچ چیز نبود نه پشنگه‌های خون و نه پرنده‌ای زخمی. کاشی‌ها سیاه بود. سیاه و چرک» (روانی‌پور، *دل فولاد*، ۱۳۶۹: ۹۲).

خیط (xyet): نخ‌ی از پلاستیک که به انتهای آن قلاب وصل است و برای ماهیگیری از آن استفاده می‌کنند (حمیدی، ۱۳۸۰: ۲۹۶). «او تنها بود و خیطش را در عمق آب‌های دریا کرده بود به قصد آنکه شوریده‌ای به قلابش تک بزند» (روانی‌پور، اهل غرق، ۱۳۸۴: ۲۷۸).

خلبوس (khalbos): خواب‌آلود، پریشان و گنگ (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۲: ۱۶۴).

«هیچ چیز حقیقی نبود و زائر نمی‌دانست مردان از کجا آمده‌اند و به کجا می‌روند جهان خلبوس بود و زمین و آسمان سخت. زائر دل به دریا داد» (روانی‌پور، *اهل غرق*، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

جُفنه (jofneh): ظرفی مدور و چوبی مخصوص خمیر و نان (حمیدی، ۱۳۸۰: ۲۲۴).
 «جفنه‌ای پر از نان کنار دایه بود» (روانی‌پور، *سنگ‌های شیطان*، ۱۳۶۹: ۱۱).
 نمونه‌های بیشتر: خاکستان: قبرستان / خار: تیغ ماهی / غناهِشت: صدای بلند / تُفکه: آب دهان / پیش: شاخه خشکیده نخل / پوز: بینی / پَنگ: خوشه / پسین: عصر / راسه: جاده / بوره: زوزه / پَرپری: چین‌دار / دی: مادر / خالو: دایی.

۶. هنجارگریزی گویشی در فعل‌ها

افعال گویشی نیز با تکرار بالا در داستان‌های روانی‌پور دیده می‌شوند و با فراوانی بسیار در این آثار نمود یافته‌اند؛ به گونه‌ای که مخاطب پیوسته با این عنصر زبان عامیانه در طول داستان برخورد می‌کند. پربسامدترین آن‌ها فعل «واگشتن» است با ۴۳ تکرار در *اهل غرق*، ۲۱ تکرار در *کولی کنار آتش*، و ۱۳ تکرار در *سیریا سیریا*.

جدول ۳. افعال گویشی در آثار منبرو روانی‌پور

نام اثر به ترتیب سال انتشار	محیط	تعداد فعل گویشی	مثال
کنیزو (۱۳۶۷)	محلی	۳	عاجز شدن، شروه خواندن، سیل کردن
اهل غرق (۱۳۶۸)	محلی	۱۱	واگشتن، وهچیره کشیدن، بوره کشیدن، پشک خوردن، عاجز شدن، تک تک زدن، تفکه کردن، پشنگه کردن،
دل فولاد (۱۳۶۹)	شهری	۲	تجه زدن، خنج زدن
سنگ‌های شیطان (۱۳۶۹)	محلی	۲	واگشتن، بوره کشیدن
سیریا سیریا (۱۳۷۲)	محلی	۱۰	واگشتن، شب زدن، یزله کردن، عاجز شدن، خنج زدن، پشنگه‌کردن، شروه خواندن، بوره کشیدن، وهچیره کشیدن، سیل کردن

نام اثر به ترتیب سال انتشار	محیط	تعداد فعل گویشی	مثال
کولی کنار آتش (۱۳۷۸)	شهری	۵	واگشتن، واگرداندن، پشنگه کردن، تراندن، تفکه کردن
زن فرودگاه فرانکفورت (۱۳۸۰)	شهری	۶	خنج زدن، تراندن، شره کردن، تچه زدن، بوره کشیدن، پشنگه کردن
نازلی (۱۳۸۱)	شهری	۳	خنج زدن، واگشتن، عاجز شدن،

واگشتن (va gashtan): در گویش مردم بوشهر به معنای برگشتن است. «وا» پیشوند افعال در لهجه بوشهری است. (حمیدی، ۱۳۸۰: ۶۵۱). «انگار سطلی از آب چاه به رویش خالی شده باشد، عرق از چهاربند تنش روان بود، واگشت تا نشانی از کپر ماکو ببیند، چیزی پیدا نبود» (روانی پور، سیریا سیریا، ۱۳۸۳: ۴۴).

پشک خوردن (peshk): در زبان مردم اهالی جنوب علی‌الخصوص بوشهر، به معنی شکستن و تکه تکه شدن است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۹۲). «اگر آدمیزاد نتواند بانده خیالش را تا آن سوی جهان پرواز دهد، از غصه پشک خواهد خورد» (روانی پور، اهل غرق، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

تک تک زدن (taktak): به آهستگی و آرامی در زدن (احمدی ریشهری، ۱۳۸۲: ۱۴۹). «خانم زری که ناخدا را مجبور کرده بود همیشه چفت در را ببندد و دیگران را واداشته بود که تک تک بزنند» (روانی پور، اهل غرق، ۱۳۸۴: ۲۷۰).

تچه کردن (teje): جوانه زدن، در فرهنگ‌نامه لغات جنوبی حرف «ک» جایگزین «ج» شده و «تچه» «تک» ثبت شده است (حمیدی، ۱۳۸۰: ۲۰۶). «رفته بود. وقتی نارنج‌ها همه خشکیدند و نی‌قلیان مادر افتاد و او دیگر نمی‌خواست هیچ نارنجی هیچ کجا تچه کند حتی توی قصه» (روانی پور، دل فولاد، ۱۳۶۹: ۱۴۱).

نمونه‌های بیشتر: بوره کشیدن: زوزه کشیدن / خنج زدن: خراشیدن / عاجز شدن: خسته شدن / هفه کردن: آرایش کردن / چشم چشم کردن: منتظر بودن / یزله کردن: نوعی

مراسم رقص و پای کوبی / شپ زدن: دست زدن / سیل کردن: نگاه کردن / تُراندن: غلطاندن.

نتیجه‌گیری

روانی‌پور بی‌تردید از نویسندگان تأثیرگذار در حوزه ادبیات بومی و ناحیه‌ای است. او به‌واسطه تجربه سال‌ها زندگی در جنوب و به یاری قدرت تخیل و خلاقیت بی‌نظیرش، آثار ارزشمندی را در عرصه ادبیات بومی عرضه کرده است. با در نظر گرفتن پربسامدترین واژگان که در جداول ذکر شد، دانسته می‌شود آنچه سبک وی را در داستان‌های دوره اول نویسندگی متمایز می‌کند هنجارگرایی گویشی است. از دیدگاه لیچ هنجارگرایی در صورت هدفمند، غایتمند و جهت‌مند بودن می‌تواند سبب تشخیص ادبی اثری شود. با مشاهده بسامد بالای گویشی در آثار اولیه روانی‌پور و با توجه به عناوین واژگان گویشی پربسامد (اعم از اسم و فعل)، آشکار می‌گردد که در داستان‌های نخست او واژگان برای «جهتمندی» انتقال خشونت محیط‌گزینش شده‌اند. آثاری که او به سبک رمان بومی نوشته تحت تأثیر محیط خشک، خشن و سرشار از وهم و خیال زادگاهش بوده است. در تمام این واژگان جهتمندی، نقش‌پذیری و غایت‌مندی واحدی چه در داستان‌های دوره اول و چه در داستان‌های بعدی او قابل مشاهده است. با بهره‌گیری از نظریه هنجارگرایی گویشی لیچ، می‌توان گفت این امر به آثار او جنبه ادبیت بخشیده است. گواه ما بر این سخن تغییرات بسامدی واژگان گویشی طی سال‌های اولیه و بعدی نویسندگی روانی‌پور است.

کنیزو با ۴۱ واژه گویشی در ۱۳۶۷ انتشار یافته، و یک سال بعد/هل غرق با ۸۱ واژه و بیشترین درصد واژگان گویشی تحت تأثیر کامل فضای بوشهر و خصوصیات اقلیمی آن نوشته شده است. سنگ‌های شیطان با ۱۸ واژه گویشی مجموعه‌ای از نه داستان کوتاه است که بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ نوشته شده است. سیریا سیریا با ۳۸ واژه گویشی در ۱۳۷۲ با هشت داستان کوتاه به چاپ رسید. از میان آثار سال‌های اولیه فقط رمان *دل فولاد* تألیف ۱۳۶۹ با شش واژه گویشی کمترین تعداد واژگان گویشی را دارد، زیرا محیط داستان محیط شهری است.

درصد عناصر و واژگان بومی در آثار بعدی به تدریج کمتر می‌شود، کولی کنار آتش

با ۱۹ واژه در ۱۳۷۸، زن فرودگاه فرانکفورت با ۱۱ واژه در ۱۳۸۰ و مجموعه نازلی با ۳ واژه در ۱۳۸۱؛ تعداد واژگان بومی کم کم به صفر می‌رسد. روانی‌پور در آثاری که به سبک بومی نوشته تحت تأثیر محیط زندگی خود بوده است. حضور او در محیط بومی این انگیزه را به او می‌دهد که برای برجسته‌سازی آثارش از گویش بوشهری به شکلی هدفمند بهره‌برد. تغییر محیط داستان‌های منیرو روانی‌پور در طول زمان از روستایی به شهری، ناشی از تغییر تفکر وی بوده که سبب شده در داستان‌های بعدیش بهره‌ کمتری از واژگان بومی برای هنجارگریزی و انتقال مفاهیم‌برد. البته در این آثار وسعت دیدگاه اجتماعی او به‌ویژه در موضوع زنان کاملاً ملموس است.

او با بهره‌گیری از هنجارگریزی گویشی مضامین بومی را نقابی برای بیان اندیشه‌های خود قرار داده است. نقش برجسته زنان از همان داستان‌های نخستینش آشکارند، این نکته از بسامد بالای واژگان مربوط به زنان فهمیده می‌شود. در کنار اینکه شخصیت‌های اصلی داستان‌هایش زنان هستند. با وجود تغییر سبک در آثار بعدی و دوری از عناصر بومی، باز هم اولویت اصلی نویسنده زنان هستند به گونه‌ای که در *رمان زن فرودگاه فرانکفورت* که در محیط شهری است با بسامد کم واژگان گویشی مواجهیم، بیشتر به موضوع مسائل زنان پرداخته شده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Heidar Naeem Hamza Al-  <http://orcid.org/0000-0002-5400-7772>
Zawamel

منابع

- احمدی ریشه‌ری، عبدالحسین. (۱۳۸۲). *سنگستان*. شیراز: نوید شیراز.
- احمدی، فرشته. (۱۳۸۳). «داستان خوانی در یلداای سوم» گزارش سخنرانی درباره کار و زندگی منیرو روانی‌پور، در جشن کتاب، ش ۸: ۳۲-۳۴.

افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۹). *نگاهی به بوشهر*. تهران: هما.

انوشه، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ‌نامه ادبی فارسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

آتشی، منوچهر. (۱۳۸۰). *آواز خاک*. تهران: نگار.

_____ (۱۳۸۰). *دیدار در فلق*. تهران: نگاه.

_____ (۱۳۶۵). *گزیده اشعار*. تهران: مروارید.

آهنگر، عباسعلی، رجب‌زاده، مهدی، عباسی، محمود. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل گونه‌های هنجارگریزی در غزل‌های امیرحسن سجزی دهلوی»، *مطالعات شبه قاره*، س ۹، ش ۳۲: ۵۱-۷۸.

بهبهانی، سیمین. (۱۳۷۸). *یاد بعضی نفرات*. تهران: البرز.

حمیدی، جعفر. (۱۳۸۰). *فرهنگ‌نامه بوشهر*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رحمانیان، زینب و عدل‌پور، لیلا. (۱۳۹۹). «ادبیات اقلیمی در رمان «اهل غرق» اثر منیرو روانی‌پور»، *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، ش ۴: ۳۱-۵۰.

رحمانیان، زینب؛ عدل‌پور، لیلا و یاور، محمد. (۱۴۰۰). «تابوی زن و بازتاب آن در آثار منیرو روانی‌پور»، *ادبیات فارسی*، ش ۲۶: ۲۲-۳۲.

رضایی، نرگس. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل حضور عناصر فولکوریک در داستان‌های منیرو روانی‌پور (اهل غرق، سیریا سیریا، سنگ‌های شیطان، کنیزو)»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۴۰: ۱۰۵-۱۳۵.

روانی‌پور، منیرو. (۱۳۶۹). *دل فولاد*. ج ۱. شیراز: شیوا.

_____ (۱۳۶۹). *سنگ‌های شیطان*. ج ۱. تهران: مرکز.

_____ (۱۳۸۱). *زن فرودگاه فرانکفورت*. ج ۲. تهران: قصه.

_____ (۱۳۸۳). *سیریا سیریا*. تهران: قصه.

_____ (۱۳۸۲). *کولی کنار آتش*. ج ۵. تهران: مرکز.

_____ (۱۳۸۰). *کنیزو*. ج ۴. تهران: نیلوفر.

_____ (۱۳۸۴). *اهل غرق*. ج ۲. تهران: قصه.

_____ (۱۳۸۴). *نازلی*. ج ۳. تهران: قصه.

زیاری، کرامت‌اله؛ حسینی، علی و گودرزی، علی. (۱۴۰۰). «تحلیل سیاست‌های کالبدی و اقتصادی بازآفرینی شهری مسکن مینا، مورد مطالعه محله جفره ماهینی شهر بوشهر»،

- جغرافیا و توسعه فضای شهری، س ۸، ش ۲: ۲۱۹-۲۴۰.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳-۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا. تهران: روزنه.
- ساعدی، غلامحسین. (۱۳۴۵). اهل هوا، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۹۱). پرسه در سایه خورشید. تهران: سایه سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۶). رستاخیز کلمات. تهران: سخن.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۴). از زبان شناسی به ادبیات. تهران: سوره مهر.
- نیکوبخت، ناصر و رامین نیا، مریم. (۱۳۸۴). «بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان اهل غرق»، پژوهش‌های ادبی، ش ۸: ۱۳۹-۱۵۴.

References

- Afshar Sistani, I. (1369). *A look at Bushehr*. Tehran: Homa. [In Persian]
- Ahangar, A., Rajabzadeh, M. and Abbasi, M. (2016). "The Study and Analysis of Variations of Linguistic Deviations in Sejzi's Sonnets". *Subcontinental Studies*, Q9, No. 32: 51-78. [In Persian]
- Ahmadi Rayshahri, A. (2012). *Sangistan*. Shiraz: Navid Shiraz. [In Persian]
- Ahmadi, F. (2013). "Reading a story on Yaldai Som" *report of a speech about the work and life of Moniro Ravani pour*. in *Book Festival*, No. 8: 32-34. [In Persian]
- Anousheh, H. (2008). *Bushehr dictionary*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Atashi, M. (2008). *The song of the earth*. Tehran: Negar. [In Persian]
- . (1365). *Selected poems*. Tehran: Pearl. [In Persian]
- . (1380). *Meeting at dawn*. Tehran: Look. [In Persian]
- Behbahani, S. (1378). *Remembering some people*. Tehran: Alborz. [In Persian]
- Dehkhoda, A. (1372-1373). *Dehkhoda dictionary*. Tehran: Rozeneh. [In Persian]
- Hamidi, J. (1380). *Bushehr dictionary*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Leech, G. H. (2008). *Linguistics Guide to English Poetry*. New York: Longman.
- Nikobakht, N. and Raminnia, M. (2004). "Review of magical realism and analysis of Ahl Ghareq novel". *Literary Researches*, Vol. 8, 139-154. [In Persian]
- Ziyari, k., Hosseini, A. and Guderzi, A. (1400). "Analysis of the physical and economic policies of the urban regeneration of the base housing, the case study of Jafrah Mahini neighborhood of Bushehr city". *Geography and Urban Space Development* 8 (2), pp. 219-240. [In Persian]

- Persian]
- Rahmanian, Z., Adel Paror, L. and Yavari, M. (1400). "The Taboo of Woman and its reflection in the works of Moniro Ravanipour". *Persian Literature*, Vol. 26: 22-32. [In Persian]
- Rahmanian, Z.; and Adelpour, L. (2019). "Ituational literature in the novel of Ahl-e Gharq by Moniro Ravanipour". *Literature and Local Languages of Iranzmin*, Vol. 4: 31-50. [In Persian]
- Ravanipour Moniro. (1369). *Devil's stones*. C 1. Tehran: Center. [In Persian]
- _____ (1380). *Maid servant*. C 4. Tehran: Nilufar. [In Persian]
- _____ (1381). *Frankfurt airport woman*. Tehran: Qasa. [In Persian]
- _____ (1382). *Gypsy by the fire*. C 5. Tehran: Center. [In Persian]
- _____ (1383). *Syria Syria*. Tehran: Qaseh. [In Persian]
- _____ (1384). *Drowned*. C 2. Tehran: Qaseh. [In Persian]
- _____ (1384). *Nozzle*. C 3. Tehran: Qaseh. [In Persian]
- _____ (1369). *Steel heart*. C 1. Shiraz: Shiva. [In Persian]
- Rezaei, N. (2014). "An Analysis of Folkloric Elements in Moniro Ravanipour's Stories (Ahl e Ghargh, Siria Siria, Sanghaye Sheytan, Kanizu)". *Persian Language and Literature Research*, Vol. 40: 105-135. [In Persian]
- Sa'edi, Gh. (1345). *Ahl Hawa*. Tehran: Institute of Social Studies and Research. [In Persian]
- Safavi, K. (2014). *From linguistics to literature*. Tehran: Surah Mehr. [In Persian]
- Sangri, M. (2013). *Roam in the shadow of the sun*. Tehran: Sayeh Sokhn. [In Persian]
- Shafi'i Kadkani, M. (2016). *Resurrection of words*. Tehran: Sokhn. [In Persian]

استناد به این مقاله: نعیم حمزه الزوامل، حیدر. (۱۴۰۲). گویش بوشهری در آثار منیرو روانی پور بر اساس دیدگاه

هنجارگریزی جفری لیچ، پژوهش‌نامه زبان ادبی ۱ (۲)، ۹۷ - ۱۲۲.

doi: 10.22054/JRLL.2023.71652.1035



Literary Language Research Journalis licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.